

شماره: ۱۶۶۱۶۸۸۰۲

تاریخ: ۹۵/۹/۱۳

پست:

دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۹۵۱۰۳۰۳۶
تاریخ ثبت: ۱۳۹۵/۹/۱۴
کد پرونده:
ساعت ورود:

حضرت آیت الله احمد جنتی
دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مجارستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.

علی لاریجانی

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مجارستان
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد
مالیات‌های بر درآمد و سرمایه به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی**

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مجارستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده و تشریفات (پروتکل) الحاقی به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- در اجرای بندهای این موافقتنامه، رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مجارستان
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه اعمال می‌شود که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مراجع محلی آن وضع می‌گردد.

۲- مالیات‌های بر درآمد و سرمایه عبارت است از کلیه مالیات‌های وضع شده بر کل درآمد، کل سرمایه یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

۱) مالیات‌های بر درآمد:

- مالیات بر درآمد املاک،

- مالیات بر درآمد کشاورزی،

- مالیات بر درآمد حقوق،

- مالیات بر درآمد مشاغل اشخاص حقیقی،

- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، و

- مالیات بر درآمد اتفاقی،

۲) مالیات بر سرمایه.

ب: در مورد مجارستان:

۱) مالیات‌های بر درآمد:

- مالیات بر درآمد شخصی، و

- مالیات بر شرکت،

۲) مالیات‌های بر سرمایه:

- مالیات بر قطعات زمین، و

- مالیات بر ساختمان.

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و پس از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید:

الف: اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

ب: اصطلاح «مجارستان» به قلمرو مجارستان طبق تعریف قوانین داخلی آن طبق حقوق بین‌الملل اطلاق می‌شود.

پ: اصطلاحات «یک دولت متعاهد» و «دولت متعاهد دیگر» به جمهوری اسلامی ایران یا مجارستان، به اقتضای سیاق عبارت اطلاق می‌شود.

ت: اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر نهادی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ث: اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت و هر مجموعه دیگری از اشخاص می‌شود.

ج: اصطلاح «مؤسسه» در مورد انجام هر گونه کسب و کار به کار می‌رود. ج: اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد

دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

ح: اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسیله نقلیه هوایی یا وسیله نقلیه جاده‌ای و ریلی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، وسیله نقلیه هوایی یا جاده‌ای و ریلی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

خ: اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود؛

- در مورد مجارستان به وزیر مسئول سیاست مالیاتی یا نماینده مجاز وی اطلاق می‌شود.

د: اصطلاح «تبعه» در ارتباط با یک دولت متعاهد اطلاق می‌شود به:

۱- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت آن دولت متعاهد باشد؛ و

۲- هر شخص حقوقی، مشارکت، انجمن یا واحد دیگری که وضعیت

مربوط خود را از قوانین جاری در آن دولت متعاهد کسب نماید.

ذ: اصطلاح «کسب و کار» شامل انجام خدمات حرفه‌ای و سایر فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل می‌گردد که توسط هر شخصی صورت می‌گیرد.
۲- در خصوص اعمال این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به‌کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه در آن زمان است، به‌جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد. معانی به‌کار رفته در قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت بر معانی همان اصطلاح در سایر قوانین آن دولت ارجحیت دارد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به‌موجب قوانین آن دولت، از حیث محل سکونت، اقامتگاه، محل تشکیل، محل مدیریت یا هر گونه معیار دیگر با ماهیت مشابه مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت یا سرمایه‌ای که در آنجا قرار دارد در آن دولت مشمول مالیات می‌شود.

۲- چنانچه حسب مقررات بند (۱)، شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به‌سر می‌برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت به‌سر برد یا در هیچ یک به‌سر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد.

ت: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولت‌ها را نداشته باشد و یا چنانچه نتوان بر اساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولت‌های متعاقد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- چنانچه به موجب مفاد بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آنجا واقع است. چنانچه دولت محل اقامت شخص را نتوان به روش مزبور مشخص کرد، آنگاه مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد از طریق توافق متقابل موضوع را حل و فصل خواهند نمود. در نبود چنین توافقی، شخص مزبور از هرگونه تخفیف یا معافیت مالیاتی مقرر در این موافقتنامه بهره‌مند نخواهد شد به جز تا حدود و به‌گونه‌ای که مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد با یکدیگر توافق نمایند.

ماده ۵- مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می‌شود که از طریق آن، کسب و کار مؤسسه یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً انجام می‌شود.

۲- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه، و

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج یا بهره‌برداری از منابع طبیعی.

۳- اصطلاح «مقر دائم» همچنین شامل کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب یا فعالیت‌های سرپرستی و نظارت مرتبط با آن می‌شود، ولی فقط چنانچه بیش از شش ماه به طول انجامد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

الف: استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث: نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، چنانچه شخصی - غیر از عامل دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) است - در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد هرگونه فعالیت‌هایی که این شخص برای مؤسسه انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- یک مؤسسه صرفاً به سبب آنکه در یک دولت متعاقد از طریق دلال، حق‌العمل‌کار یا هر عامل مستقل دیگری به کسب و کار می‌پردازد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که اشخاص مزبور این کار را در جریان عادی کسب و کار خود انجام دهند. با وجود این، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد و شرایط ایجاد یا وضع شده بین آن مؤسسه و عامل در روابط تجاری و مالی خود با شرایط موجود میان مؤسسات مستقل تفاوت داشته باشد، وی به موجب مقررات این بند به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر است یا در آن به کسب و کار می‌پردازد، کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به گونه دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) واقع در دولت متعاقد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقیات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های متغیر یا ثابت در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها، و سایر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز خواهد بود. کشتیها، قایقها و وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه کسب و کار را به طریق مزبور انجام دهد، درآمدهای قابل انتساب به مقر دائم طبق مقررات بند (۲) می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- از لحاظ این ماده و ماده (۲۲)، درآمدهای قابل انتساب در هر دولت متعاقد به مقر دائم مذکور در بند (۱)، به ویژه در معاملات خود با سایر بخشهای مؤسسه، درآمدهایی است که هرگاه مقر دائم، مؤسسه‌ای متمایز و مجزا می‌بود و به همان فعالیت‌ها یا مشابه آنها اشتغال می‌داشت، در همان شرایط یا شرایط مشابه، با احتساب فعالیت‌های صورت گرفته، دارایی‌های مورد استفاده و خطرهای (ریسکهای) پذیرفته شده توسط مؤسسه از طریق مقر دائم و از طریق سایر بخشهای مؤسسه می‌توانست تحصیل کند.

۳- چنانچه طبق بند (۲)، یک دولت متعاقد درآمدهای قابل انتساب به مقر دائم مؤسسه یکی از دولتهای متعاقد را تعدیل نماید و متناظراً درآمدهایی از

مؤسسه را مشمول مالیات نماید که در دولت دیگر مالیات آن درآمدها اخذ شده است، آن دولت دیگر تا حدودی که برای حذف مالیات مضاعف نسبت به این درآمدها لازم است، تعدیلی مناسب را نسبت به مبلغ مالیات وضع شده چنانچه با تعدیل صورت گرفته توسط دولت مذکور نخست موافق باشد بر این درآمدها به عمل خواهد آورد. تعدیل متناظر مزبور مشمول محدودیت‌های زمانی مقرر در قانون داخلی هر دولت متعاقد خواهد بود. در انجام این گونه تعدیلات، مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد، در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۴- چنانچه درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد بابت عملیات کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده‌ای و ریلی، در حمل و نقل بین‌المللی فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از عضویت در یک اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، لیکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت‌های مشترک باشد.

ماده ۹- مؤسسات وابسته

۱- چنانچه:

الف: مؤسسه یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب: اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند؛

و در هر یک از دو صورت، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- چنانچه یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد، مشروط بر اینکه با تعدیل مذکور توسط دولت نخست موافق باشد. تعدیل مناسب مزبور مشمول محدودیت‌های زمانی مقرر در قانون داخلی هر دولت متعاهد خواهد بود در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر که مالک منافع سود سهام می‌باشد، صرفاً در آن دولت دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

۲- اصطلاح «سود سهام» به گونه مورد استفاده در این ماده، اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن، سهام مؤسسه‌سین یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۳- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم باشد، مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۴- چنانچه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد- به‌جز تا مقداری که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا تا مقداری که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم واقع در آن دولت متعاهد دیگر باشد- و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد

کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، هزینه‌های مالی مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به گونه‌ای که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن که دارای وثیقه رهنی و متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد، اما شامل درآمد مرتبط با ماده (۱۰) نمی‌باشد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر که مالک منافع آن باشد، صرفاً در آن دولت دیگر مشمول مالیات خواهد بود مشروط بر آنکه هزینه‌های مالی مزبور در موارد زیر پرداخت شود:

الف: در ارتباط با فروش اعتباری هرگونه اجناس یا تجهیزات،

ب: در مورد هرگونه وام یا اعتبار اعطاء شده توسط بانک،

پ: به حکومت دولت متعاقد دیگر، از جمله هر تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن، بانک مرکزی یا هر مؤسسه مالی که در تملک یا کنترل آن دولت باشد،

ت: به مقیم دولت دیگر در ارتباط با هر گونه وام یا اعتبار تضمین شده توسط حکومت دولت دیگر از جمله هر تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن، بانک مرکزی یا هر مؤسسه مالی که در تملک یا کنترل آن حکومت باشد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقرر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقرر دائم باشد، مقررات

بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. با وجود این، چنانچه شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد مقرر دائمی دارد که در رابطه با آن، دینی که بابت آن هزینه‌های مالی پرداخت شده، ایجاد شده است و هزینه‌های مالی مذکور بر عهده چنین مقرر دائمی باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقرر دائم حاصل شده است.

۷- چنانچه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که با توجه به مطالبات دینی که بابت آن پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد با در نظر گرفتن سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، حق الامتیازهای مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه‌برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی، هرگونه حق اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا در ازای اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده، در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقرر دائم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت

می شود به طور مؤثری با این مقر دائم ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، مقیم آن دولت باشد. با وجود این، چنانچه شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائمی باشد که مسؤولیت پرداخت حق الامتیاز در ارتباط با آن ایجاد شده و پرداخت چنین حق الامتیازی بر عهده مقر دائم مزبور باشد، حق الامتیاز در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت نبود چنین رابطه ای بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از اموال کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می باشد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه)، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده ای و ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی، یا اموال منقول مرتبط با عملیات این کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده ای و ریلی فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی قابل مقایسه که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط در دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۴- درآمد حاصل از استخدام

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۵)، (۱۷)، (۱۸) و بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد بابت استخدام دریافت می‌دارد فقط در همان دولت مشمول مالیات می‌باشد مگر آن که اشتغال در دولت متعاهد دیگر صورت گیرد. چنانچه اشتغال بدین گونه باشد، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاهد بابت اشتغال در دولت متعاهد دیگر فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند دوره در دولت دیگر به سر برده است از ۱۸۳ روز در هر دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالیاتی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد، تجاوز نکند، و

ب: حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و

پ: پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقرر دائمی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات پیش گفته در این ماده، حق‌الزحمه حاصل بابت اشتغال در کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده‌ای و ریلی مورد استفاده توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند در آن دولت مشمول مالیات شود.

ماده ۱۵- حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاهد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

ماده ۱۶- هنرمندان و ورزشکاران

- ۱- علی‌رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.
- ۲- چنانچه درآمد بابت فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، صرفنظر از مقررات مواد (۷) و (۱۴)، آن درآمد می‌تواند در دولت متعاهدی مشمول مالیات شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.
- ۳- علی‌رغم بندهای (۱) و (۲) این ماده، درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از فعالیت‌های خود به عنوان هنرمند یا ورزشکار که در دولت متعاقد دیگر انجام گیرد فقط در دولت متعاقد نخست مشمول مالیات می‌گردد مشروط بر آنکه چنین فعالیت‌هایی کاملاً از طریق بودجه عمومی تأمین شده باشد یا در چهارچوب موافقتنامه‌های فرهنگی یا ورزشی منعقد شده بین دولتهای متعاقد انجام گیرد.

ماده ۱۷- حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر به ازای خدمات گذشته فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۸- خدمات دولتی

۱-

الف: حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

ب: با وجود این، حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه مزبور چنانچه خدمات در آن دولت و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، فقط در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آن که آن شخص مقیم:

- تبعه آن دولت باشد؛ یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن انجام می‌دهد، مقررات مواد (۱۴)، (۱۵) و (۱۶) مجری خواهد بود.

ماده ۱۹- محصلان، معلمان و اساتید

۱- وجوهی که محصل، کارآموز یا کارورزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، در دولت نخست مشمول مالیات نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط معلم یا استادی که از تاریخ اولین حضور در یک دولت متعاقد برای یک دوره‌ای که از دو سال تجاوز نکند در آن دولت متعاقد حضور داشته و بلافاصله قبل از آن حضور مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی در دانشگاه، کالج یا سایر مؤسسات تحقیقی مجاز یا سایر مؤسسات آموزش عالی در آن دولت متعاقد به سر می‌برد از مالیات در آن دولت معاف خواهد بود، مشروط بر آن که منابع چنین پرداخت‌هایی از آن دولت متعاقد دیگر تأمین شود. مفاد این بند در مورد حق‌الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۰- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هرکجا که حاصل شود، صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به گونه‌ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقر دائم به گونه مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت مقررات ماده (۷) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۱- سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از اموال کسب و کار مقرر دائمی است که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده‌ای و ریلی مورد استفاده توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در حمل و نقل بین‌المللی، و متشکل از اموال منقول مرتبط با عملیات این کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده‌ای و ریلی، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۴- کلیه اجزاء دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۲۲- حذف مالیات مضاعف

۱- در جمهوری اسلامی ایران مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد گردید:

چنانچه مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند یا مالک سرمایه‌ای باشد که طبق مقررات این موافقتنامه می تواند در مجارستان، مشمول مالیات شود، جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد یا سرمایه پرداختی در مجارستان از مالیات بر درآمد یا سرمایه آن مقیم کسر شود.

با وجود این، در هر حالت این گونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد، به آن درآمد یا سرمایه قابل انتساب می بود، بیشتر باشد.

۲- در مجارستان مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد گردید:

الف: چنانچه مقیم مجارستان درآمدی حاصل کند یا مالک سرمایه‌ای باشد که طبق مقررات این موافقتنامه می تواند در جمهوری اسلامی ایران مشمول مالیات شود، و به طور مؤثر در آنجا مشمول مالیات شود، مجارستان با رعایت مقررات جزء (ب) و بند (۳)، درآمد یا سرمایه مزبور را از مالیات معاف می نماید. ب: چنانچه مقیم مجارستان اقلامی از درآمد را تحصیل کند که طبق مقررات مواد (۷)، (۱۱) و (۱۲) می تواند در جمهوری اسلامی ایران مشمول مالیات گردد، مجارستان اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات پرداختی در

جمهوری اسلامی ایران، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر گردد. با وجود این، چنین کسوری نباید از آن قسمت از مالیاتی که پیش از کسر، به ارقام درآمد حاصله در جمهوری اسلامی ایران تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

پ: مقررات جزء (الف) نسبت به درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم مجارستان در مواردی که جمهوری اسلامی ایران مقررات این موافقتنامه را برای معافیت چنین درآمد یا سرمایه‌ای اعمال نموده یا مقررات بند (۲) مواد (۱۱) و (۱۲) را نسبت به چنین درآمدی اعمال کند، اعمال نخواهد شد.

۳- در صورتی که به موجب هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات در آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۳- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که اتباع آن دولت دیگر تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می شود نباید در آن دولت دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت دیگر که همان فعالیتها را انجام می دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر به منظور تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین، هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر به منظور

تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور بر عهده مقیم دولت نخست می‌بود.

۴- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت متعاهد نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن، که متفاوت یا سنگین‌تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- مقررات این ماده علی‌رغم مفاد ماده (۲) در مورد مالیات‌هایی با هر نوع و توصیف اعمال خواهد شد.

ماده ۲۴- آیین توافق دوجانبه

۱- چنانچه شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد منتج به مالیاتی برای وی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی‌باشد، او می‌تواند صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۳) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل رضایت‌بخشی برسد، برای اجتناب از أخذ مالیاتی که طبق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر موضوع را فیصله دهد. هر توافقی که حاصل شود علی‌رغم محدودیت‌های زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاهد اجراء خواهد شد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند. آنها همچنین می‌توانند به‌منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به‌منظور حصول توافق در مضمون بندهای پیشین، مستقیماً و از جمله از طریق کمیسیون مشترکی متشکل از خود مقامهای صلاحیتدار یا نمایندگان آنها، با یکدیگر

ارتباط حاصل کنند. مقامهای صلاحیتدار می‌توانند با مشورت با یکدیگر، آیینها، شرایط، روشها و فنون مقتضی دوجانبه‌ای را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مقرر در این ماده فراهم بیاورند.

ماده ۲۵- تبادل اطلاعات

۱- مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعاتی را که پیش‌بینی می‌شود برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اعمال یا اجرای قوانین داخلی راجع به مالیات‌های از هر نوع و وصف که از سوی دولتهای متعاقد یا مراجع محلی آنها وضع شده‌اند، تا حدودی که مالیات به موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. مفاد مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

۲- هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد به موجب بند (۱) دریافت می‌شود، با آن به همان شیوه اطلاعات به دست آمده به موجب قوانین داخلی آن دولت به عنوان اطلاعات سری رفتار می‌شود، و فقط برای اشخاص یا مراجعی (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) فاش می‌شود که به امر تشخیص یا وصول، اجراء یا پیگرد اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مرتبط با مالیات‌های اشاره شده در بند (۱) تصمیم‌گیری می‌کنند یا به نظارت بر موارد فوق اشتغال دارند. چنین اشخاص یا مراجعی اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) در هیچ مورد به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف: اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب: اطلاعاتی را ارائه نماید که طبق قوانین یا در جریان عادی اداری خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ: اطلاعاتی را ارائه نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن با خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) مغایر باشد.

۴- چنانچه یک دولت متعاقد اطلاعاتی را طبق مفاد این ماده درخواست کند، دولت متعاقد دیگر از اقدامات جمع‌آوری اطلاعات خود برای کسب اطلاعات درخواستی استفاده می‌کند، اگرچه آن دولت دیگر از حیث اهداف مالیاتی خود نیازی به این اطلاعات نداشته باشد. الزام مذکور در جمله قبلی تابع

محدودیت‌های بند (۳) است، اما محدودیت‌های مزبور به هیچ وجه به مثابه مجوزی برای یک دولت متعاقد برای امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل نبود منفعت داخلی نسبت به این‌گونه اطلاعات تعبیر نخواهد شد.

ماده ۲۶- اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۷- برخورداری از مزایا

علی‌رغم سایر مفاد این موافقتنامه، هرگاه، با در نظر گرفتن تمامی حقایق و شرایط مرتبط، به‌طور منطقی بتوان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی هرگونه ترتیبات یا معاملات که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتج به بهره‌مندی از مزایای موافقتنامه شده، کسب مزیت مزبور بوده است، مزیت مزبور در مورد ارقام درآمد یا سرمایه اعطاء نخواهد شد؛ مگر اینکه اثبات گردد اعطای آن مزیت در این‌گونه شرایط طبق هدف و منظور مفاد مربوط در این موافقتنامه بوده است.

قبل از آنکه به موجب جمله پیشین، مقیم یک دولت متعاقد از مزایای این موافقتنامه محروم شود، مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد با یکدیگر مشورت خواهند نمود. همچنین، مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد می‌توانند در خصوص اجرای این ماده با یکدیگر مشورت نمایند.

ماده ۲۸- لازم‌الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد از طریق مجاری دیپلماتیک، یکدیگر را از تکمیل الزامات داخلی خود برای لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه مطلع خواهند نمود.
۲- این موافقتنامه در پانزدهمین روز پس از دریافت آخرین یادداشت مذکور در بند (۱) لازم‌الاجراء و مقررات آن در هر دو دولت متعاقد در موارد زیر نافذ خواهد بود:

الف: در خصوص مالیات‌های کسر شده در منبع، نسبت به درآمد حاصل شده در روز یازدهم دی ماه هجری شمسی برابر با اول ژانویه یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد؛

ب: در خصوص سایر مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، نسبت به مالیات‌های متعلقه در هر سال مشمول مالیات که از یازدهم دی ماه هجری شمسی برابر با اول ژانویه یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، آغاز می‌شود.

ماده ۲۹- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاهد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه اطلاعیه فسخ حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخ لازم الاجراء شدن آن، فسخ نماید. در این صورت، این موافقتنامه در هر دو دولت متعاهد در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف: در خصوص مالیات‌های کسرشده در منبع، نسبت به درآمد حاصل شده در روز یازدهم دی ماه هجری شمسی برابر با اول ژانویه یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن یادداشت ارائه شده است؛

ب: در خصوص سایر مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، نسبت به مالیاتهای متعلقه در هر سال مشمول مالیات یا دوره‌ای که از یازدهم دی ماه هجری شمسی برابر با اول ژانویه یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن یادداشت ارائه شده است، آغاز می‌شود.

این موافقتنامه شامل یک مقدمه و (۲۹) ماده و یک تشریفات (پروتکل) در دو نسخه به زبانهای فارسی، مجاری و انگلیسی در تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۱۱/۳۰ میلادی تنظیم گردید که تمامی آنها از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. در صورت بروز هرگونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف

دولت مجارستان

از طرف

دولت جمهوری اسلامی ایران

باسمه تعالی

تشریفات (پروتکل) الحاقی

موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان علاوه بر موافقتنامه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه که در تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۱۱/۳۰ امضاء گردید، در مورد مقررات زیر که جزء لاینفک موافقتنامه مذکور می‌باشد، به شرح زیر توافق نمودند:

۱- دولت مجارستان معتقد است که تعهدات مجارستان در مورد این موافقتنامه با تعهدات آن به عنوان عضو اتحادیه اروپایی مطابقت دارد. مع‌ذلک، چنانچه مجارستان در آینده دریابد که تعهدات آن به موجب این موافقتنامه با الزاماتی که در مورد مجارستان به عنوان عضو اتحادیه اروپا اعمال می‌شود، مطابقت ندارد، دو دولت متعاقد می‌توانند در مورد انجام اصلاحات احتمالی در موافقتنامه با یکدیگر مشورت نمایند.

۲- در خصوص ماده (۲۵) (تبادل اطلاعات)، بدیهی است که:

الف: مقررات بند (۳) به هیچ‌وجه به مثابه مجوزی برای یک دولت متعاقد در امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل نگهداری اطلاعات مزبور نزد بانک، سایر مؤسسات مالی، نماینده یا شخص دارای جایگاه نمایندگی یا موقعیت امین یا به دلیل ارتباط اطلاعات مزبور با حقوق مالکانه نسبت به یک شخص تعبیر نخواهد بود.

ب: مع‌ذلک، اجرای جزء (الف) در هر دو دولت بستگی به انجام اصلاحات قانونی در قوانین و مقررات مرتبط داخلی خواهد داشت که در حال

حاضر چنین تبادل اطلاعاتی را در جمهوری اسلامی ایران اجازه نمی‌دهد. مقام صلاحیتدار جمهوری اسلامی ایران، در صورت فراهم شدن شرایط اجرای این مقررات، بی‌درنگ مقام صلاحیتدار مجارستان را مطلع خواهد نمود.

این تشریفات (پروتکل) شامل یک مقدمه و دو بند در دو نسخه در تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۱۱/۳۰ میلادی، به زبانهای فارسی، مجاری و انگلیسی تنظیم گردید که تمامی آنها از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. در صورت بروز هرگونه اختلاف در تفسیر متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌طور مقتضی مجاز می‌باشند، این تشریفات (پروتکل) را امضاء نمودند.

از طرف	از طرف
دولت مجارستان	دولت جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحد و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده و تشریفات (پروتکل) الحاقی در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. /ر

علی لاریجانی

شماره ثبت ۱۴۶

IN THE NAME OF ALLAH

AGREEMENT

BETWEEN

THE GOVERNMENT OF
THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

AND

THE GOVERNMENT OF HUNGARY
FOR THE AVOIDANCE OF DOUBLE TAXATION
AND THE PREVENTION OF FISCAL EVASION
WITH RESPECT TO
TAXES ON INCOME AND ON CAPITAL

دفتر هیئت دولت

The Government of the Islamic Republic of Iran

and

the Government of Hungary

Desiring to conclude an Agreement for the avoidance of double taxation and the prevention of fiscal evasion with respect to taxes on income and on capital

Have agreed as follows:

Article 1

PERSONS COVERED

This Agreement shall apply to persons who are residents of one or both of the Contracting States.

Article 2

TAXES COVERED

1. This Agreement shall apply to taxes on income and on capital imposed on behalf of a Contracting State or of its local authorities, irrespective of the manner in which they are levied.
2. There shall be regarded as taxes on income and on capital all taxes imposed on total income, on total capital, or on elements of income or of capital, including taxes on gains from the alienation of movable or immovable property, taxes on the total amounts of wages or salaries paid by enterprises, as well as taxes on capital appreciation.
3. The existing taxes to which the Agreement shall apply are in particular:
 - a) in the case of the Islamic Republic of Iran:
 - (i) income taxes:
 - Real Estate Income Tax;
 - Tax on Income from Agriculture;

دفتر هیئت دولت

- Tax on Salary Income;
- Tax on Unincorporated Individual Business Income;
- Tax on the Profits of Legal Persons; and
- Tax on Incidental Income;

(ii) capital tax.

b) in the case of Hungary:

(i) income taxes:

- Personal Income Tax; and
- Corporate Tax;

(ii) capital taxes:

- Land Parcel Tax; and
- Building Tax.

4. The Agreement shall apply also to any identical or substantially similar taxes that are imposed after the date of signature of the Agreement in addition to, or in place of, the existing taxes. The competent authorities of the Contracting States shall notify each other of any significant changes that have been made in their respective taxation laws.

Article 3

GENERAL DEFINITIONS

1. For the purposes of this Agreement, unless the context otherwise requires:
 - a) the term "the Islamic Republic of Iran" means the territory under the sovereignty and/or jurisdiction of the Islamic Republic of Iran;
 - b) the term "Hungary" means the territory of Hungary as defined by its laws in accordance with international law;

دفتر هیئت دولت

- c) the terms "a Contracting State" and "the other Contracting State" mean the Islamic Republic of Iran or Hungary, as the context requires;
- d) the term "company" means any body corporate or any entity that is treated as a body corporate for tax purposes;
- e) the term "person" includes an individual, a company and any other body of persons;
- f) the term "enterprise" applies to the carrying on of any business;
- g) the terms "enterprise of a Contracting State" and "enterprise of the other Contracting State" mean respectively an enterprise carried on by a resident of a Contracting State and an enterprise carried on by a resident of the other Contracting State;
- h) the term "international traffic" means any transport by a ship, aircraft or road and railway vehicle operated by an enterprise of a Contracting State, except when the ship, aircraft or road and railway vehicle is operated solely between places in the other Contracting State;
- i) the term "competent authority" means:
- (i) in case of the Islamic Republic of Iran, the Minister of Economic Affairs and Finance (MEAF) or his authorized representative;
- (ii) in case of Hungary, the Minister responsible for tax policy or his authorised representative;
- j) the term "national", in relation to a Contracting State, means:
- (i) any individual possessing the nationality of that Contracting State; and
- (ii) any legal person, partnership, association or other entity deriving its status as such from the laws in force in that Contracting State;

دفتر هیئت دولت

k) the term "business" includes the performance of professional services and of other activities of an independent character carried on by any person.

2. As regards the application of the Agreement at any time by a Contracting State, any term not defined therein shall, unless the context otherwise requires, have the meaning that it has at that time under the law of that State for the purposes of the taxes to which the Agreement applies, any meaning under the applicable tax laws of that State prevailing over a meaning given to the term under other laws of that State.

Article 4

RESIDENT

1. For the purposes of this Agreement, the term "resident of a Contracting State" means any person who, under the laws of that State, is liable to tax therein by reason of his domicile, residence, place of incorporation, place of management or any other criterion of a similar nature, and also includes that State or any local authority thereof. This term, however, does not include any person who is liable to tax in that State in respect only of income from sources in that State or capital situated therein.

2. Where by reason of the provisions of paragraph 1 an individual is a resident of both Contracting States, then his status shall be determined as follows:

a) he shall be deemed to be a resident only of the State in which he has a permanent home available to him; if he has a permanent home available to him in both States, he shall be deemed to be a resident only of the State with which his personal and economic relations are closer (centre of vital interests);

b) if the State in which he has his centre of vital interests cannot be determined, or if he has not a permanent home available to him in either State, he shall be deemed to be a resident only of the State in which he has an habitual abode;

دفتر هیئت دولت

- c) if he has an habitual abode in both States or in neither of them, he shall be deemed to be a resident only of the State of which he is a national;
- d) if he is a national of neither of the States, and/or if under the previous paragraphs, he may not be deemed to be a resident of one of the Contracting States, then the competent authorities of the Contracting States shall settle the question by mutual agreement.
3. Where by reason of the provisions of paragraph 1 a person other than an individual is a resident of both Contracting States, then it shall be deemed to be a resident only of the State in which its place of effective management is situated. If the State of residence of the person cannot be determined as such, then the competent authorities of the Contracting States shall settle the question by mutual agreement. In the absence of such agreement, such person shall not be entitled to any relief or exemption from tax provided by this Agreement except to the extent and in such manner as may be agreed upon by the competent authorities of the Contracting States.

Article 5

PERMANENT ESTABLISHMENT

1. For the purposes of this Agreement, the term "permanent establishment" means a fixed place of business through which the business of an enterprise is wholly or partly carried on.
2. The term "permanent establishment" includes especially:
- a) a place of management;
 - b) a branch;
 - c) an office;
 - d) a factory;
 - e) a workshop; and

دفتر هیئت دولت

- f) a mine, an oil or gas well, a quarry or any other place of exploration, extraction or exploitation of natural resources.
3. The term "permanent establishment" also encompasses a building site, a construction, assembly or installation project or supervisory activities in connection therewith, but only if it lasts more than 6 months.
4. Notwithstanding the preceding provisions of this Article, the term "permanent establishment" shall be deemed not to include:
- a) the use of facilities solely for the purpose of storage or display of goods or merchandise belonging to the enterprise;
 - b) the maintenance of a stock of goods or merchandise belonging to the enterprise solely for the purpose of storage or display;
 - c) the maintenance of a stock of goods or merchandise belonging to the enterprise solely for the purpose of processing by another enterprise;
 - d) the maintenance of a fixed place of business solely for the purpose of purchasing goods or merchandise or of collecting information, for the enterprise;
 - e) the maintenance of a fixed place of business solely for the purpose of carrying on, for the enterprise, any other activity of a preparatory or auxiliary character;
 - f) the maintenance of a fixed place of business solely for any combination of activities mentioned in subparagraphs (a) to (e), provided that the overall activity of the fixed place of business resulting from this combination is of a preparatory or auxiliary character.
5. Notwithstanding the provisions of paragraphs 1 and 2, where a person - other than an agent of an independent status to whom paragraph 6 applies - is acting on behalf of an enterprise and has, and habitually exercises, in a Contracting State an authority to conclude contracts in the name of the enterprise, that enterprise shall be deemed to have a permanent establishment in that State in respect of any activities which that person undertakes for the enterprise, unless the activities of such person are limited to those mentioned in paragraph 4 which, if exercised through a fixed place of business, would not make this

دفتر هیئت دولت

fixed place of business a permanent establishment under the provisions of that paragraph.

6. An enterprise shall not be deemed to have a permanent establishment in a Contracting State merely because it carries on business in that State through a broker, general commission agent or any other agent of an independent status, provided that such persons are acting in the ordinary course of their business. However, when the activities of such an agent are devoted wholly or almost wholly on behalf of that enterprise, and conditions are made or imposed between that enterprise and the agent in their commercial and financial relations which differ from those which would have been made between independent enterprises, he will not be considered an agent of an independent status within the meaning of this paragraph.
7. The fact that a company which is a resident of a Contracting State controls or is controlled by a company which is a resident of the other Contracting State, or which carries on business in that other State (whether through a permanent establishment or otherwise), shall not of itself constitute either company a permanent establishment of the other.

Article 6

INCOME FROM IMMOVABLE PROPERTY

1. Income derived by a resident of a Contracting State from immovable property (including income from agriculture or forestry) situated in the other Contracting State may be taxed in that other State.
2. The term "immovable property" shall have the meaning which it has under the law of the Contracting State in which the property in question is situated. The term shall in any case include property accessory to immovable property, livestock and equipment used in agriculture and forestry, rights to which the provisions of general law respecting landed property apply, usufruct of immovable property and rights to variable or fixed payments as consideration for the working of, or the right to work, mineral deposits, sources and other natural resources including oil and gas; ships, boats and aircraft shall not be regarded as immovable property.
3. The provisions of paragraph 1 shall apply to income derived from the direct use, letting or use in any other form of immovable property.

دفتر هیئت دولت

4. The provisions of paragraphs 1 and 3 shall also apply to the income from immovable property of an enterprise.

Article 7

BUSINESS PROFITS

1. Profits of an enterprise of a Contracting State shall be taxable only in that State unless the enterprise carries on business in the other Contracting State through a permanent establishment situated therein. If the enterprise carries on business as aforesaid, the profits that are attributable to the permanent establishment in accordance with the provisions of paragraph 2 may be taxed in that other State.
2. For the purposes of this Article and Article 22, the profits that are attributable in each Contracting State to the permanent establishment referred to in paragraph 1 are the profits it might be expected to make, in particular in its dealings with other parts of the enterprise, if it were a separate and independent enterprise engaged in the same or similar activities under the same or similar conditions, taking into account the functions performed, assets used and risks assumed by the enterprise through the permanent establishment and through the other parts of the enterprise.
3. Where, in accordance with paragraph 2, a Contracting State adjusts the profits that are attributable to a permanent establishment of an enterprise of one of the Contracting States and taxes accordingly profits of the enterprise that have been charged to tax in the other State, the other State shall, to the extent necessary to eliminate double taxation on these profits, make an appropriate adjustment to the amount of the tax charged on those profits if it agrees with the adjustment made by the first-mentioned State. The aforesaid corresponding adjustment shall be subject to the time limits provisioned in the domestic law of each Contracting State. In determining such adjustment, the competent authorities of the Contracting States shall if necessary consult each other.
4. Where profits include items of income which are dealt with separately in other Articles of this Agreement, then the provisions of those Articles shall not be affected by the provisions of this Article.

دفتر هیئت دولت

Article 8

INTERNATIONAL TRAFFIC

1. Profits of an enterprise of a Contracting State from the operation of ships, aircraft or road and railway vehicles in international traffic shall be taxable only in that State.
2. The provisions of paragraph 1 shall also apply to profits from the participation in a pool, a joint business or an international operating agency, but only to so much of the profits so derived as is attributable to the participant in proportion to its share in the joint operation.

Article 9

ASSOCIATED ENTERPRISES

1. Where
 - a) an enterprise of a Contracting State participates directly or indirectly in the management, control or capital of an enterprise of the other Contracting State, or
 - b) the same persons participate directly or indirectly in the management, control or capital of an enterprise of a Contracting State and an enterprise of the other Contracting State,

and in either case conditions are made or imposed between the two enterprises in their commercial or financial relations which differ from those which would be made between independent enterprises, then any profits which would, but for those conditions, have accrued to one of the enterprises, but, by reason of those conditions, have not so accrued, may be included in the profits of that enterprise and taxed accordingly.

2. Where a Contracting State includes in the profits of an enterprise of that State - and taxes accordingly- profits on which an enterprise of the other Contracting State has been charged to tax in that other State and the profits so included are profits which would have accrued to the enterprise of the first-mentioned State if the conditions made between the two enterprises had been those which would have been made between independent enterprises, then that other State shall make an appropriate adjustment to the amount of the tax charged therein on those profits if it agrees with the adjustment made by the

دفتر هیئت دولت

first-mentioned State. The aforesaid appropriate adjustment shall be subject to the time limits provisioned in the domestic law of each Contracting State. In determining such adjustment, due regard shall be had to the other provisions of this Agreement and the competent authorities of the Contracting States shall if necessary consult each other.

Article 10

DIVIDENDS

1. Dividends paid by a company which is a resident of a Contracting State, to a resident of the other Contracting State, being the beneficial owner of the dividends, shall be taxable only in that other State.
2. The term "dividends" as used in this Article means income from shares, "jouissance" shares or "jouissance" rights, mining shares, founders' shares or other rights, not being debt-claims, participating in profits, as well as income from other corporate rights which is subjected to the same taxation treatment as income from shares by the laws of the State of which the company making the distribution is a resident.
3. The provisions of paragraph 1 shall not apply if the beneficial owner of the dividends, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State of which the company paying the dividends is a resident through a permanent establishment situated therein and the holding in respect of which the dividends are paid is effectively connected with such permanent establishment. In such case the provisions of Article 7 shall apply.
4. Where a company which is a resident of a Contracting State derives profits or income from the other Contracting State, that other State may not impose any tax on the dividends paid by the company, except insofar as such dividends are paid to a resident of that other State or insofar as the holding in respect of which the dividends are paid is effectively connected with a permanent establishment situated in that other State, nor subject the company's undistributed profits to a tax on the company's undistributed profits, even if the dividends paid or the undistributed profits consist wholly or partly of profits or income arising in such other State.

دفتر هیئت دولت

Article 11

INTEREST

1. Interest arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other State.
2. However, such interest may also be taxed in the Contracting State in which it arises and according to the laws of that State, but if the beneficial owner of the interest is a resident of the other Contracting State, the tax so charged shall not exceed 5 per cent of the gross amount of the interest.
3. The term "interest" as used in this Article means income from debt-claims of every kind, whether or not secured by mortgage and whether or not carrying a right to participate in the debtor's profits, and in particular, income from government securities and income from bonds or debentures, including premiums and prizes attaching to such securities, bonds or debentures, but does not include income dealt with in Article 10. Penalty charges for late payment shall not be regarded as interest for the purpose of this Article.
4. Notwithstanding the provisions of paragraph 2, interest arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State who is the beneficial owner thereof shall be taxable only in that other State if such interest is paid:
 - a) in connection with the sale on credit of any merchandise or equipment;
 - b) on any loan or credit of whatever kind granted by a bank;
 - c) to the Government of the other Contracting State, including any political subdivision or local authority thereof, the Central Bank or any financial institution owned or controlled by that Government;
 - d) to a resident of the other State in connection with any loan or credit guaranteed by the Government of the other State, including any political subdivision or local authority thereof, the Central Bank or any financial institution owned or controlled by that Government.
5. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the interest, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State in which the interest arises through a permanent establishment situated therein and the debt-claim in respect of which the interest is paid is effectively connected with

دفتر هیئت دولت

such permanent establishment. In such case the provisions of Article 7 shall apply.

6. Interest shall be deemed to arise in a Contracting State when the payer is a resident of that State. Where, however, the person paying the interest, whether he is a resident of a Contracting State or not, has in a Contracting State a permanent establishment in connection with which the indebtedness on which the interest is paid was incurred, and such interest is borne by such permanent establishment, then such interest shall be deemed to arise in the State in which the permanent establishment is situated.
7. Where, by reason of a special relationship between the payer and the beneficial owner or between both of them and some other person, the amount of the interest, having regard to the debt-claim for which it is paid, exceeds the amount which would have been agreed upon by the payer and the beneficial owner in the absence of such relationship, the provisions of this Article shall apply only to the last-mentioned amount. In such case, the excess part of the payments shall remain taxable according to the laws of each Contracting State, due regard being had to the other provisions of this Agreement.

Article 12

ROYALTIES

1. Royalties arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State may be taxed in that other State.
2. However, such royalties may also be taxed in the Contracting State in which they arise, and according to the laws of that State, but if the beneficial owner of the royalties is a resident of the other Contracting State, the tax so charged shall not exceed 5 per cent of the gross amount of the royalties.
3. The term "royalties" as used in this Article means payments of any kind received as a consideration for the use of, or the right to use, any copyright of literary, artistic or scientific work, including cinematograph films, any patent, trade mark, design or model, plan, secret formula or process, or for information concerning industrial, commercial or scientific experience.

دفتر هیئت دولت

4. The provisions of paragraphs 1 and 2 shall not apply if the beneficial owner of the royalties, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State in which the royalties arise through a permanent establishment situated therein and the right or property in respect of which the royalties are paid is effectively connected with such permanent establishment. In such case the provisions of Article 7 shall apply.
5. Royalties shall be deemed to arise in a Contracting State when the payer is a resident of that State. Where, however, the person paying the royalties, whether he is a resident of a Contracting State or not, has in a Contracting State a permanent establishment in connection with which the liability to pay the royalties was incurred, and such royalties are borne by such permanent establishment, then such royalties shall be deemed to arise in the State in which the permanent establishment is situated.
6. Where, by reason of a special relationship between the payer and the beneficial owner or between both of them and some other person, the amount of the royalties, having regard to the use, right or information for which they are paid, exceeds the amount which would have been agreed upon by the payer and the beneficial owner in the absence of such relationship, the provisions of this Article shall apply only to the last-mentioned amount. In such case, the excess part of the payments shall remain taxable according to the laws of each Contracting State, due regard being had to the other provisions of this Agreement.

Article 13

CAPITAL GAINS

1. Gains derived by a resident of a Contracting State from the alienation of immovable property referred to in Article 6 and situated in the other Contracting State may be taxed in that other State.
2. Gains from the alienation of movable property forming part of the business property of a permanent establishment which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State, including

دفتر هیئت دولت

such gains from the alienation of such a permanent establishment (alone or with the whole enterprise), may be taxed in that other State.

3. Gains derived by an enterprise of a Contracting State from the alienation of ships, aircraft or road and railway vehicles operated in international traffic or movable property pertaining to the operation of such ships, aircraft or road and railway vehicles shall be taxable only in that State.
4. Gains derived by a resident of a Contracting State from the alienation of shares or other comparable corporate rights deriving more than 50 per cent of their value directly or indirectly from immovable property situated in the other Contracting State may be taxed in that other State.
5. Gains from the alienation of any property, other than that referred to in paragraphs 1, 2, 3 and 4, shall be taxable only in the Contracting State of which the alienator is a resident.

Article 14

INCOME FROM EMPLOYMENT

1. Subject to the provisions of Articles 15, 17, 18 and paragraph 2 of Article 19, salaries, wages and other similar remuneration derived by a resident of a Contracting State in respect of an employment shall be taxable only in that State unless the employment is exercised in the other Contracting State. If the employment is so exercised, such remuneration as is derived therefrom may be taxed in that other State.
2. Notwithstanding the provisions of paragraph 1, remuneration derived by a resident of a Contracting State in respect of an employment exercised in the other Contracting State shall be taxable only in the first-mentioned State if:
 - a) the recipient is present in the other State for a period or periods not exceeding in the aggregate 183 days in any twelve month period commencing or ending in the fiscal year concerned, and
 - b) the remuneration is paid by, or on behalf of, an employer who is not a resident of the other State, and

دفتر هیئت دولت

- c) the remuneration is not borne by a permanent establishment which the employer has in the other State.
3. Notwithstanding the preceding provisions of this Article, remuneration derived in respect of an employment exercised aboard a ship, aircraft or road and railway vehicles operated in international traffic operated by an enterprise of a Contracting State, may be taxed in that State.

Article 15

DIRECTORS' FEES

Directors' fees and other similar payments derived by a resident of a Contracting State in his capacity as a member of the Board of Directors of a company which is a resident of the other Contracting State may be taxed in that other State.

Article 16

ARTISTES AND SPORTSPERSONS

1. Notwithstanding the provisions of Articles 7 and 14, income derived by a resident of a Contracting State as an entertainer, such as a theatre, motion picture, radio or television artiste, or a musician, or as a sportsperson, from his personal activities as such exercised in the other Contracting State, may be taxed in that other State.
2. Where income in respect of personal activities exercised by an entertainer or a sportsperson in his capacity as such accrues not to the entertainer or sportsperson himself but to another person, that income may, notwithstanding the provisions of Articles 7 and 14, be taxed in the Contracting State in which the activities of the entertainer or sportsperson are exercised.
3. Notwithstanding the provisions of paragraphs 1 and 2 of this Article, income derived by a resident of a Contracting State from his activities as an entertainer or sportsperson performed in the other Contracting State shall be taxable only in the first-mentioned State, provided that

دفتر هیئت دولت

such activities are supported wholly out of public funds or performed within the framework of cultural or sport agreements concluded between the Contracting States.

Article 17

PENSIONS

Pensions and other similar remuneration arising in a Contracting State and paid to a resident of the other Contracting State in consideration of past employment shall be taxable only in the first-mentioned State.

Article 18

GOVERNMENT SERVICE

1.
 - a) Salaries, wages and other similar remuneration paid by a Contracting State or a local authority thereof to an individual in respect of services rendered to that State or authority shall be taxable only in that State.
 - b) However, such salaries, wages and other similar remuneration shall be taxable only in the other Contracting State if the services are rendered in that State and the individual is a resident of that State who:
 - (i) is a national of that State; or
 - (ii) did not become a resident of that State solely for the purpose of rendering the services.
2. The provisions of Articles 14, 15 and 16 shall apply to salaries, wages, and other similar remuneration in respect of services rendered in connection with a business carried on by a Contracting State or a local authority thereof.

دفتر هیئت دولت

Article 19

STUDENTS, TEACHERS AND PROFESSORS

1. Payments which a student, apprentice or business trainee who is or was immediately before visiting a Contracting State a resident of the other Contracting State and who is present in the first-mentioned State solely for the purpose of his education or training receives for the purpose of his maintenance, education or training shall not be taxed in the first-mentioned State, provided that such payments arise from sources outside that State.
2. Likewise, remuneration received by a teacher or a professor who visits a Contracting State for a period not exceeding two years as of the date he first visits that Contracting State and who is or was immediately before that visit a resident of the other Contracting State and who is present in the first-mentioned State solely for the purpose of teaching or engaging in scientific research at a university, college or other recognised research institute or other establishments for higher education in that Contracting State shall be exempted from tax in that State, provided that the sources of such payments are in the other Contracting State.

This paragraph shall not apply to remuneration and income from research if such research is undertaken for enterprises with business purposes.

Article 20

OTHER INCOME

1. Items of income of a resident of a Contracting State, wherever arising, not dealt with in the foregoing Articles of this Agreement shall be taxable only in that State.
2. The provisions of paragraph 1 shall not apply to income, other than income from immovable property as defined in paragraph 2 of Article 6, if the recipient of such income, being a resident of a Contracting State, carries on business in the other Contracting State through a permanent establishment situated therein and the right or property in respect of which the income is paid is effectively connected with such

دفتر هیئت دولت

permanent establishment. In such case the provisions of Article 7 shall apply.

Article 21

CAPITAL

1. Capital represented by immovable property referred to in Article 6, owned by a resident of a Contracting State and situated in the other Contracting State, may be taxed in that other State.
2. Capital represented by movable property forming part of the business property of a permanent establishment which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State may be taxed in that other State.
3. Capital represented by ships, aircraft or road and railway vehicles operated by an enterprise of a Contracting State in international traffic, and by movable property pertaining to the operation of such ships, aircraft or road and railway vehicles, shall be taxable only in that State.
4. All other elements of capital of a resident of a Contracting State shall be taxable only in that State.

Article 22

ELIMINATION OF DOUBLE TAXATION

1. In the Islamic Republic of Iran, double taxation shall be eliminated as follows:

Where a resident of the Islamic Republic of Iran derives income or owns capital which, in accordance with the provisions of this Agreement, may be taxed in Hungary, the Islamic Republic of Iran shall allow as a deduction from the tax on the income or capital of that resident, an amount equal to the income or capital tax paid in Hungary. Such deduction in either case shall not, however, exceed that part of the tax as computed before the deduction is given, which is attributable, as the case may be, to that income or capital.

2. In Hungary, double taxation shall be eliminated as follows:

دفتر هیئت دولت

- (a) Where a resident of Hungary derives income or owns capital which, in accordance with the provisions of this Agreement may be taxed in the Islamic Republic of Iran, and it is effectively taxed there, Hungary shall, subject to the provisions of subparagraph (b) and paragraph 3, exempt such income or capital from tax.
- (b) Where a resident of Hungary derives items of income which, in accordance with the provisions of Articles 7, 11 and 12 may be taxed in the Islamic Republic of Iran, Hungary shall allow as a deduction from the tax on the income of that resident an amount equal to the tax paid in the Islamic Republic of Iran. Such deduction shall not, however, exceed that part of the tax, as computed before the deduction is given which is attributable to such items of income derived from the Islamic Republic of Iran.
- (c) The provisions of subparagraph (a) shall not apply to income derived or capital owned by a resident of Hungary where the Islamic Republic of Iran applies the provisions of this Agreement to exempt such income or capital from tax or applies the provisions of paragraph 2 of Articles 11 and 12 to such income.
3. Where in accordance with any provision of the Agreement income derived or capital owned by a resident of a Contracting State is exempt from tax in that State, such State may nevertheless, in calculating the amount of tax on the remaining income or capital of such resident, take into account the exempted income or capital.

Article 23

NON-DISCRIMINATION

1. Nationals of a Contracting State shall not be subjected in the other Contracting State to any taxation or any requirement connected therewith, which is other or more burdensome than the taxation and connected requirements to which nationals of that other State in the same circumstances, in particular with respect to residence, are or may be subjected. This provision shall, notwithstanding the provisions of Article 1, also apply to persons who are not residents of one or both of the Contracting States.
2. The taxation on a permanent establishment which an enterprise of a Contracting State has in the other Contracting State shall not be less favourably levied in that other State than the taxation levied on

دفتر هیئت دولت

enterprises of that other State carrying on the same activities. This provision shall not be construed as obliging a Contracting State to grant to residents of the other Contracting State any personal allowances, reliefs and reductions for taxation purposes on account of civil status or family responsibilities which it grants to its own residents.

3. Except where the provisions of paragraph 1 of Article 9, paragraph 7 of Article 11, or paragraph 6 of Article 12, apply, interest, royalties and other disbursements paid by an enterprise of a Contracting State to a resident of the other Contracting State shall, for the purpose of determining the taxable profits of such enterprise, be deductible under the same conditions as if they had been paid to a resident of the first-mentioned State. Similarly, any debts of an enterprise of a Contracting State to a resident of the other Contracting State shall, for the purpose of determining the taxable capital of such enterprise, be deductible under the same conditions as if they had been contracted to a resident of the first-mentioned State.
4. Enterprises of a Contracting State, the capital of which is wholly or partly owned or controlled, directly or indirectly, by one or more residents of the other Contracting State, shall not be subjected in the first-mentioned State to any taxation or any requirement connected therewith which is other or more burdensome than the taxation and connected requirements to which other similar enterprises of the first-mentioned State are or may be subjected.
5. The provisions of this Article shall, notwithstanding the provisions of Article 2, apply to taxes of every kind and description.

Article 24

MUTUAL AGREEMENT PROCEDURE

1. Where a person considers that the actions of one or both of the Contracting States result or will result for him in taxation not in accordance with the provisions of this Agreement, he may, irrespective of the remedies provided by the domestic law of those States, present his case to the competent authority of the Contracting State of which he is a resident or, if his case comes under paragraph 1 of Article 23, to that of the Contracting State of which he is a national. The case must be presented within three years from the first

دفتر هیئت دولت

notification of the action resulting in taxation not in accordance with the provisions of the Agreement.

2. The competent authority shall endeavour, if the objection appears to it to be justified and if it is not itself able to arrive at a satisfactory solution, to resolve the case by mutual agreement with the competent authority of the other Contracting State, with a view to the avoidance of taxation which is not in accordance with the Agreement. Any agreement reached shall be implemented notwithstanding any time limits in the domestic law of the Contracting States.
3. The competent authorities of the Contracting States shall endeavour to resolve by mutual agreement any difficulties or doubts arising as to the interpretation or application of the Agreement. They may also consult together for the elimination of double taxation in cases not provided for in the Agreement.
4. The competent authorities of the Contracting States may communicate with each other directly, including through a joint commission consisting of themselves or their representatives, for the purpose of reaching an agreement in the sense of the preceding paragraphs. The competent authorities, through consultations, may develop appropriate bilateral procedures, conditions, methods and techniques for the implementation of the mutual agreement procedure provided for in this Article.

Article 25

EXCHANGE OF INFORMATION

1. The competent authorities of the Contracting States shall exchange such information as is foreseeably relevant for carrying out the provisions of this Agreement or to the administration or enforcement of the domestic laws concerning taxes of every kind and description imposed on behalf of the Contracting States, or of their local authorities, insofar as the taxation thereunder is not contrary to the Agreement. The exchange of information is not restricted by Articles 1 and 2.
2. Any information received under paragraph 1 by a Contracting State shall be treated as secret in the same manner as information obtained under the domestic laws of that State and shall be disclosed only to

دفتر هیئت دولت

persons or authorities (including courts and administrative bodies) concerned with the assessment or collection of, the enforcement or prosecution in respect of, the determination of appeals in relation to the taxes referred to in paragraph 1, or the oversight of the above. Such persons or authorities shall use the information only for such purposes. They may disclose the information in public court proceedings or in judicial decisions.

3. In no case shall the provisions of paragraphs 1 and 2 be construed so as to impose on a Contracting State the obligation:
- a) to carry out administrative measures at variance with the laws and administrative practice of that or of the other Contracting State;
 - b) to supply information which is not obtainable under the laws or in the normal course of the administration of that or of the other Contracting State;
 - c) to supply information which would disclose any trade, business, industrial, commercial or professional secret or trade process, or information the disclosure of which would be contrary to public policy (ordre public).
4. If information is requested by a Contracting State in accordance with this Article, the other Contracting State shall use its information gathering measures to obtain the requested information, even though that other State may not need such information for its own tax purposes. The obligation contained in the preceding sentence is subject to the limitations of paragraph 3 but in no case shall such limitations be construed to permit a Contracting State to decline to supply information solely because it has no domestic interest in such information.

Article 26

MEMBERS OF DIPLOMATIC MISSIONS AND CONSULAR POSTS

Nothing in this Agreement shall affect the fiscal privileges of members of diplomatic missions or consular posts under the general rules of international law or under the provisions of special agreements.

دفتر هیئت دولت

Article 27

ENTITLEMENT TO BENEFITS

Notwithstanding the other provisions of this Agreement, a benefit under this Agreement shall not be granted in respect of an item of income or capital if it is reasonable to conclude, having regard to all relevant facts and circumstances, that obtaining that benefit was one of the principal purposes of any arrangement or transaction that resulted directly or indirectly in that benefit, unless it is established that granting that benefit in these circumstances would be in accordance with the object and purpose of the relevant provisions of this Agreement.

Before a resident of a Contracting State is denied the benefits under this Agreement by reason of the preceding sentence, the competent authorities of the Contracting States shall consult each other. Likewise, the competent authorities of the Contracting States may consult each other with regard to the application of this Article.

Article 28

ENTRY INTO FORCE

1. The Contracting States shall notify each other through the diplomatic channels that their domestic requirements for the entry into force of this Agreement have been complied with.
2. This Agreement shall enter into force on the 15th day following the receipt of the latter of the notifications referred to in paragraph 1 and its provisions shall have effect in both Contracting States:
 - a) with respect to taxes withheld at source, on income derived on or after the 11th of *Dey Solar Hijra* corresponding to 1st of January of the calendar year next following that in which the Agreement enters into force;
 - b) with respect to other taxes on income and on capital, for taxes chargeable for any taxable year beginning on or after the 11th of *Dey Solar Hijra* corresponding to 1st of January of the calendar year next following that in which the Agreement enters into force.

دفتر هیئت دولت

Article 29

TERMINATION

This Agreement shall remain in force until terminated by a Contracting State. Either Contracting State may terminate the Agreement, through diplomatic channels, by giving notice of termination at least six months before the end of any calendar year after five years from the date of entry into force of the Agreement. In such event, the Agreement shall cease to have effect in both Contracting States:

- a) with respect to taxes withheld at source, on income derived on or after the 11th of *Dey Solar Hijra* corresponding to 1st of January of the calendar year next following that in which the notice has been given;
- b) with respect to other taxes on income and on capital, for taxes chargeable for any taxable year beginning on or after the 11th of *Dey Solar Hijra* corresponding to 1st of January of the calendar year next following that in which the notice has been given.

This Agreement consisting of a preamble and 29 Articles and a Protocol was made in duplicate in Persian, Hungarian and English languages, at Tehran on 1394/9/9 *Solar Hijra* corresponding to 2015/11/30 all of which being equally authentic. In case of any divergence in interpretation, the English text shall prevail.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned, duly authorized thereto, by their respective Governments, have signed this Agreement.

For the Government of
the Islamic Republic of Iran

A. Talebi

For the Government of
Hungary

[Handwritten signature]

دفتر هیئت دولت

PROTOCOL
to the Agreement between
the Government of the Islamic Republic of Iran
and the Government of Hungary

for the Avoidance of Double Taxation and the Prevention of Fiscal Evasion with respect to Taxes on Income and on Capital

The Government of the Islamic Republic of Iran and the Government of Hungary have in addition to the Agreement for the Avoidance of Double Taxation and the Prevention of Fiscal Evasion with respect to Taxes on Income and on Capital signed at Tehran on 1394/9/9 Solar *Hijra* corresponding to 2015/11/30 agreed on the following provisions, which shall form an integral part of the said Agreement:

1. The Government of Hungary understands that the obligations of Hungary under this Agreement are consistent with its obligations as a member of the European Union. However, if Hungary finds out in the future that its obligations under this Agreement are inconsistent with the requirements that apply to Hungary as a member of the European Union, both Contracting States may consult each other about the possible amendments of the Agreement.
2. With reference to Article 25 (Exchange of Information), it is understood that:
 - (a) In no case shall the provisions of paragraph 3 be construed to permit a Contracting State to decline to supply information solely because the information is held by a bank, other financial institution, nominee or person acting in an agency or a fiduciary capacity or because it relates to ownership interests in a person.
 - (b) However, the application of subparagraph (a) in both States depends on the legislative amendments of the relevant domestic laws and regulations that do not allow for the time being such exchange of information in the Islamic Republic of Iran. The competent authority of the Islamic Republic of Iran shall notify

دفتر هیئت دولت

the competent authority of Hungary without delay when the conditions for the application of this provision are met.

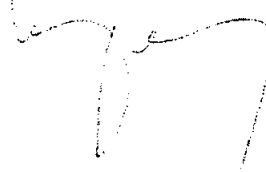
This Protocol consisting of a preamble and 2 paragraphs was made in duplicate in Persian, Hungarian and English languages, at Tehran on 1394/9/9 Solar *Hijra* corresponding to 2015/11/30 all of which being equally authentic. In case of any divergence in interpretation, the English text shall prevail.

IN WITNESS WHEREOF the undersigned, duly authorised thereto, by their respective Governments, have signed this Protocol.

For the Government of
the Islamic Republic of Iran

A. Talebi

For the Government of
Hungary



دفتر هیئت دولت